

وحروری است در حدیث ترمذی که آنحضرت فرموده اند لم یدرج بعدوه یونس  
 فی سوره یونس فی شئ قط الا ان سبحان الله که این لفظ اعظم صفت مقوله  
 الی با صل و معطوف بر اصل صفت که نشانه اسم اعظم است و عمل عام است و کلام  
 بر اسم اعظم دارد یعنی از آن بطریق مجزب بر ارضای آن اسم اعظم است چنانکه  
 آن اشخاص در احادیث دیگر است و قبیل فرق میان داعی و سبیل است که سبیل  
 مختص است پس برای او است اعطاء داعی مصفوف است پس برای او است این است  
 دعا که ابلغ است ای بسبب عیبی که اول است بر شرف دعا و در سبب آن در حدیث  
 در ضمن او است قضای حاجت می باشد و شیخ الفاضل در تفسیر که معنی آن صفت  
 که نشانه این باشد که در وقت دعا و نماز کردن بآن اسم اعظم باشد تا بطلب حاجت  
 جواب بخورد یا در سجده یا بسبب دعا و در وقت سوال و طلب چیزی از امور دینی  
 و دنیوی سید به ضلای تعالی آن احراز برای آن سبیل و هدایت سوال و حرکت  
 نفع است در سوال است که از خلق باشد سوال هر چیزی اگر چه حقیر است از حق تعالی  
 مستجاب است و گفته در تقدیم دعا بر سوال گفته اند سبیل راجی باید که دعا بخورد و سبیل  
 کند تا حاجت برسد و بعد از آن سوال مطلب دعا کند تا مستجاب شود و قول الله  
 الاعظا در بعضی شروح است که در اکثر نسخ معتقدند که در مصنف است این است  
 بعد از لفظ الاعظم است لیکن می باید که این از فوق الاعظم باشد بر ارضای حاجت  
 این لفظ از خصوصیات است این است پس بعد از آن لفظ این لفظ آن در  
 مستحق است با هر صورتی که با اختلافی که در او است اعنی الذی اذا سئل  
 الخ عطف و اذا داعی بود که برای مطلق جمعیت است شانه نموده است بقوله  
 یعنی در سنن اربعه و صحیح ابن حبان در سنن کرامت احمد و سنن ابی یوسف

بی نظر

بن حصبه سبع فی السعده و در شیخ انصار فی معنی از ابی است و لفظ اعظم یعنی  
 بی عمل بعد قول است الله الاحد العبد است که اسم اعظم خدا که در وقت سوال  
 حضرت از حضرت با استعانت آن اسم سید به ضلای تعالی آن حضرت را در وقت دعا  
 بآن اسم حاجت می نماید اینست که اللهم انزلنا لک یا ایاک انزلنا لک یا ایاک انزلنا  
 تحقیق من سوال میکنم از تو مطلوب خود را پس حذف مقبول بر اعظم است  
 یا نعیم یا کویم اطلبک ولا اطلب غیرک حال بودن من مستعین با استعانت  
 و بسبب این که برستی می گوئی می دانم چه حقین میدارم که تقویان تو هستی مصطفی  
 کرم و در وقت هیچ معبود موجود دیگر تو که بجا که در ذات صفات و صفات  
 دیگری در فقه معانی است که در اول است در وقت برپا بود که غیر برای الله  
 میگویند و برضای که مسیح ابن ادریس گفته و بر مشکان که ملائکه را بنات الله  
 می گویند نه مولود ملک است در ازل و بعد از آنست مراد را همین است که از آن  
 مثلا موجود در دست بر مبینان صاحبه حضرت را سجد و تعالی و در مستحق این  
 است پس لفظ انشده است یعنی اللهم انزلنا لک یا ایاک انزلنا لک یا ایاک انزلنا لک  
 الخ اسم اعظم خدا که در سنن اربعه و صحیح ابن حبان و صحیح سنن کرامت احمد  
 اعظم خدا بصیغه افعال که در سنن امام احمد و مصنف است این است پس در  
 این کتب مرعوز البهاره حروری از انشی رضا است که اللهم انزلنا لک یا ایاک انزلنا لک  
 الخ الخ مخفی نموده که در اکثر نسخ زبور خسته بعد از لفظ الاعظم مرقوم است پس  
 معلوم نمیشود که اعظم در کدام است و الا اعظم در کدام است لیکن صحیح است که  
 در بعضی نسخ صحیح است که رجز اربعه و این صحیح و در حاکم فرق اعظم است در سنن  
 احمد و ابن ابی شیبه فرق لفظ الاعظم است که از بعضی نسخ و در معنی اللهم